

## یادی دیگر از بیهقی مورخ فیلسوف

(دنباله شماره ۳ - خرداد ۱۳۶۰)

### ۲- برخی از نگارشهای بیهقی

۱- ابن آشوب در معالم العلماء (ص ۴۵ ش ۳۳۴) از تلخیص مسائل من الذریعة الی اصول الشریعة بیهقی یاد کرده است. گزارش نگاران دیگر الذریعه عمادالدین ابوجعفر محمد لججی آملی (شرح مسائل الذریعة) و کمال‌الدین مرتضی بن منتهی مرعشی و قطب راوندی (المستقصی) و علامه حلی (النکت البدیعة فی تحریر الذریعة) میباشند. (ذریعه ۴: ۴۲۷ و ۲۶: ۱۰ و ۱۳: ۲۷۷ تا ۲۷۸ و ۱۴: ۶۴ و ۱۳: ۲۱ و ۲۴: ۳۰۳).

بیهقی در سرگذشت واره خود که یا قوت آورده است از این تلخیص یادی نکرده گویا بایستی پس از آن به نگارش درآمده باشد.

۲- تتمه صوان الحکمة ساخته میان ۵۵۳ و ۵۶۵ (دیباچه من بر مختصر فی ذکر بعض الحکماء اليونانيين والطلبيين) ص ۴ - فهرست دانشگاه ۴: ۷۰۶) که کرد علی در دمشق محمد شفیع در لاهور آن را چاپ کرده اند. نسخه کهنی از آن در تاشکند دیده ام که دو تاریخ ۶۶۴ و ۶۹۷ در پایان دارد (نشریه ۹: ۱۲۸ و ۱۲۹).

۳- بیهقی راوشاح دمیة القصر است که عماد کاتب اصفهانی آنرا در ۲/۴۶۶ ساخته و بیهقی ار ج ۱/۵۲۸ تا رمضان ۵۳۵ به نگارش و شاح می پرداخته است. او در تتمه صوان الحکمة (چاپ لاهور ۱۲۱ و ۱۵۸) و تاریخ بیهقی (ج ۲: ۱۶۹ و ۳۲۲ و ۳۸۷ و ۴۲۰ و ۴۸۲) از آن یاد کرده است. در آن آمده است (۴۸ ر): "الشریف ابن ابی الضوا ابو محمد الحسن بن محمد بن ذی الضوا العلوی الحسینی نقیب مشهد باب التبن فاضل ظریف له حظ من العربية وله شعر جید و وفاته ببغداد سنة سبع و ثلثین وخمسائة" پس بایستی آن را پس از ۵۳۷ به پایان برده باشد (فیلم ۶۷۵ عکس ۵۹۳ دانشگاه تهران - فهرس المخطوطات المصورة التاريخ ش ۸۶۴).

بیهقی در دنباله همین و شاح درة الوشاح ساخته است (تتمه صوان الحکمة چاپ لاهور - ۱۷۱). بیهقی در و شاح (۶ پ) دارد: "محمد بن محمد العندجانی اظنه من خراسان لسه فی مدح عمیدالدوله . . . . " نمیدانم آن همان ابوعلی غنجدجانی یاد شده در رساله فلسفی کهن ش ۲۱۳ م دانشگاه لس آنجلس است یا نه ؟

عماد اصفهانی در خريدة القصر که دنباله دمية القصر است چنانکه یا قوت مینویسد از بیهقی یاد کرده و گفته که او تا ۵۳۳ در ری بوده است ولی در عکس نسخه های خریده که در دانشگاهت و در نسخه های آن که در سپهسالار و سنا هست گشتم نامی از وی ندیدم. بدرد يعود الشباب رضایی (فیلم ۳۷ عکس ۹۵ و ۹۶) هم نیافتم. شاید در نسخه دیگران باشد. قفطی در "المحمدون من الشعراء" از وشاح بهره برده است (فهرست نامها، چاپ ۱۹۷۵).  
 ۴ - لباب الانساب نگارش ۵۵۸ (فیلم ۹۲۸ عکس ۲۱۳۶ دانشگاه - سپه ۵ : ۶۶۹ فهرست نامهای تعلیقات نقض).

بیهقی در تاریخ بیهق (فهرست نامهای چاپ دوم) از آن یاد کرده و در آن هم از این یکی نام برده است.

در آن از وشاح دمية القصر (برگ ۹۵ و گویا هم ۱۳۲ عکس دانشگاه) و از درة وشاح دمية القصر و ازهار الاشعار خود (۱۳۲) و از سال ۵۵۶ (۱۴۵) نیز یاد کرده است.  
 برخی از روایت های او در آن چنین است: "حدثني الامام علي بن محمود النصارآبادي واستاد الامام احمد بن محمد الميبداني عن الامام علي بن احمد الواحدي عن ابي اسحاق احمد الثعلبي عن ابي عبدالله القايني عن ابي الحسن الضبي عن ابي بكر الشيعي الحلبي عن الصادق" (۷) و نیز "ذكر الامام استادنا احمد بن محمد الميبداني في كتاب - مجمع الامثال من تصنيفه" (۱۰).

همچنین از همان احمد میبدانی از همان واحدی از همان ثعلبی از ابو منصور حمشادی از جاکم ابو عبدالله حافظ از ابي بکر بن مالک . . . . از علی بن ابي طالب (ع) (۱۴)، نیز "اخبرني الامام علي بن (ابي بكر) عبدالله بن محمد بن الهيصم النيشابوري عن ابيه عن احمد بن محمد بن علي بن احمد العاصمي مصنف زين الفتى" (۱۵). این علی بن الهيصم همانست که در شرح نهج البلاغه هم از او یاد کرده است.

او در سرگذشت امامان دوازده گانه و سادات و برتری های آنان چنین روایتها را دارد و سند او را در باره زندگی امامان به روش شیعی امامی ندیدم.

همچنین از امام علی بن ابي صالح خواری و تاریخ بیهق او (۸۹ و ۹۱) که در تاریخ بیهق (ج ۲: ۳۳ و ۳۴ و ۱۶۸ و ۱۸۴ و ۲۶۲ و ۳۶۵) هم از تاریخ بیهق او یاد شده است.  
 او در آغاز لباب الانساب پس از درود بر پیامبر چنین می نویسد: "ثم على آله الذين رتعو من كلاء الطهارة بين النحلة والخمس واهل بيته الذين هم كما جاء في الحديث: النجوم امامان لاهل السماء واهل بيتي امامان اهل الارض وطير وانا واهل فراخ الحسب والنسب باجنحة السعادة واحسنوا بالحسنى وزيادة . . . ." (نسخه بسیار مفلوط است)

بیهقی در لباب الانساب (۹۴ - ۹۷) سرگذشت پیشوایان شیعی امامی را از روی -

گفته‌های ابن جوزی در صفة الصفوة و ابونعیم در حلیه الالیاء و دولابی در الذریة الطاهره و شیخ مفید در الارشاد می‌آورد. در آغاز (۹۴) میگوید: "فما ذکره الشیخ المفید هو الذی یعتمد فی هذا الباب لانه اشد حرصا و اکثر سمعا و کسفا و طلبا لهذه الامور". در پایان این بخش (۹۷) بندی است گرفته از ارشاد بدینگونه:

باب وفاة ابی محمد الحسن بن علی علیهما السلام و موضع قبره و ذکره ولده . و مرض ابی محمد فی اول شهر ربیع الاول سنة ستین و مائتین و مات یوم الجمعة لثمان خلون من هذا الشهر فی السنة المذكور له یوم وفاته ثمان و عشرون سنة و دفن فی البیت الذی دفن ابوه من دارهما بصر من رأی و خلف ابنه المنتظر لدولة الحق و کان قد اخفی مولده و ستر امره لصعوبة الوقت و شدة طلب سلطان الزمان و اجتهاده فی البحث عن امره . ولما شاع من مذهب الشیعة الامامية فیہ و عرف انتظارهم له فلم یظهر ولده فی حیاته و لاعرفه الجمهور بعد وفاته و تولى جعفر بن علی اخو ابی محمد ، اخذ ترکته و سعی فی حبس جواری ابی محمد و اعتقال حلائله و شنع علی اصحابه بانتظارهم ولده و قطعهم بوجوده و القول بامامته و اعزى القوم حتى اخافهم و شردهم و جرى علی مخلفی ابی محمد (ع) بسبب ذلك كل عظیمة من اعتقال و حبس و تهدید و تصغیر و استخفاف و ذل فلم یظفر السلطان منهم بطایل و حاز جعفر ظاهر ترکه ابی محمد (ع) و اجتهد فی اقیام عند الشیعة مقامه فلم یقبل احد منهم ذلك و لا اعتقه فیہ فصار الی سلطان الوقت یلتمس مرتبة اخیه و بذل مالا جلیلا و تقرب بكل ما ظن انه یتقرب به فلم ینتفع بشیء من ذلك .

و لجعفر اخبار كثيرة فی هذا المعنی رأیت الاضراب عن ذکرها اسباب لایحتمل الكتاب شرحها عند الامامية و من اخبار الناس من العامة و بالله التوفیق".

نورالدین محمد واعظ خطیب مدرس اصفهانی برای شاه عباس از روی همین لسان الانساب و نوشته‌های دیگر مجمع الانساب ساخته است که آن را در راهنمای کتاب (۱۷: ۷۰۸) شناسانده‌ام .

۵- معارج نهج البلاغة رادر ۵۵۲ نگاهشته است . او در آغاز معارج از چند دانشمند یاد میکند که من در گفتارم از برخی از آنها نام برده‌ام .

۶- تاریخ بیهقی را از روی تاریخ امام علی خواری و جز آن ساخته (ص ۳۳ و ۳۴) و آن رادر ۴ شوال ۵۶۳ در روستای ششتمد به پایان برده است .

۷- جوامع احکام النجوم ( ۴۸۹ دانشگاه ۴ : ۷۷۶ ) که در آغاز نسب خود و فهرست نگارشهای خویش که از آنهاست شرح نهج یاد میکند .

امام سدیدالدین محمود بن امیرک رازی متکلم که بیهقی در تاریخ بیهقی ( ج ۱ : ۲۳۰ ) و ج ۲ : ۳۹۸ ) و در معارج از او یاد میکند ( گفتار من در آینه ص ۸۲۹ ) . در نقض رازی ( ج ۲ : ۲۱۱ ) و فهرست ابن بابویه رازی ( بحار ۱۰۵ : ۲۷۳ ) و امل الامل ( ۲ : ۸۱۴ )

واعلام الشیعة (۶: ۲۹۳) هم از او یاد شده است (تعلیقات نقض ۱: ۵۲۷) .  
 او جز سدیدالدین محمود بن علی بن حسن حمصی رازی است که نگارندهٔ التعلیق  
 العراقی (دانشگاه ۶۷۴۴-تعلیقات نقض ۱: ۵۲۸ تا ۵۳۳ و ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹) میباشد .  
 ۴- پایان گفتار

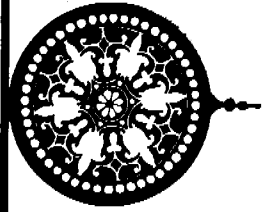
از آنچه گذشت گویا چنین برمیآید که خاندان بیهقی با دستگاه خلافت عباسی  
 و دربار فرمانروایی غزنوی و سلجوقی پیوندی داشته و با خواست آنان به پایگاههای  
 ارجمنددینی رسیده و با دانشمندان سنی آشنا بوده و خود بیهقی هم آنچنانکه مینویسد  
 کتابهای علمی و ادبی سنی را نزد استادان سنی خوانده و به کمال رسیده و روایتهایی که  
 او در تاریخ بیهق و لباب الانساب مگر آنچه که از ارشاد مفید می آورد هیچ رنگ شیعی ندارد.  
 گذشته از این نیاکان مادری او حنفی بوده و پدران او هم بگواهی سرگذشت آنان بایستی  
 سنی باشند. پس مانا نتوان گفت که وی شیعی است مگر اینکه از سخنان او گرایش به خاندان  
 پیامبره پیدا است به ویژه آنکه در تاریخ بیهق از سادات به بزرگی یاد کرده و در لباب الانساب  
 نسب این خاندان را آورده است .

این را هم باید گفت که در روزگاران گذشته میان دانشمندان شیعی و سنی شد آمد و  
 آشنایی و دوستی و استادی و شاگردی بوده است. بلکه یکی از دیگری اجازه می گرفته یا اینکه  
 آن یکی دیگری را می ستوده است . ابن الاخوه اصفهانی استاد قطب راوندی و ضیاء راوندی  
 ( دیوان قوامی ۲۶۳ ) و رافعی قزوینی شاگرد منتجب الدین رازی بوده و از وی درالتدوین  
 نام برده است . قوامی رازی سرایندهٔ شیعی عماد الدین حسن استرآبادی حنفی را که دانشمندان  
 شیعی غررو در رسید مرتضی را از وی می شنیده اند ستایش کرده است ( نقض رازی ج ۱ : ۱۵۸ -  
 تعلیقات نقض ۱ : ۴۱۱ ) آنها در کتابهای خود از یکدیگر یاد میکردند و سرگذشت همدیگر  
 را می آوردند و کتابهای همدیگر را گزارش می نوشتند. نمونهٔ آشکار آن نگارشهای علامهٔ حلی  
 است که در سرگذشت نامه‌ها و فهرستها هست .

به ملاحظه حفظ تنوع مطالب در هر شماره، ازین پس اجزاء مقالاتی که

بعلت تفصیل تقسیم می شود یک در میان چاپ خواهد شد .

از نویسندگان و خوانندگان عذر می خواهیم .



## شعر

زیر نظر حبیب یغمائی

### چشم انداز

لانه می ساحت پرستو، به تماشا خورشید  
روز، با شادی گنجشگان می شد آغاز  
روی این سبزه گسترده سراپرده رها  
پر رزان هر سو پروانه رنگین بهار.

دانه می چید کبوتر، به سرافسانی بید  
صبح از برج سیداران می آمد بار  
نغمه سازان سراپرده دستان و سوا  
دشت، همچون پر پروانه پر از نقش و نگار

روح شیدای کسی، نور و نسیم نفسی  
می خرد در همه این نور و نسیم از دل خاک  
نیک بیند که چه غوغاست درین چشم انداز:

هست و من دیده ام اندر همه ذرات بسی  
می خورد بر همه این روح نواز شکر پاک  
چشم اگر هست به پیندا و به ناپیندا باز

نور می بارد از آینه پاک سپهر  
موج موسیقی رویش، چه خوش افکنده طنین!  
سینه ریزش را می بخشد بر شالی زار!  
آب می خواهد جاری کند از چوب گلاب!  
باد می رقصد تا غنچه بخواند آواز  
مهر می خواهد تا لعل بسازد از سنگ  
تا که صد حوشه چو خورشید بر آرد انگور  
می دهد یاری، کز شاخه باید بالا...  
همه مهر است و محبت، نه جدال است و نه کین  
بغض می پیچد در سینه سوزانم، آه!

مهر می تابند سرشار از مهر  
می زند نبض زمان، می تپد قلب زمین  
ابر می آید سر تا پا ایثار و نثار  
رود می گیرد تا سبزه بخندد شاداب  
خاک می کوشد تا دانه نماید پرواز  
مرغ می خواند تا سنگ نباشد دلتنگ  
تاک، صد بوسه ز خورشید رباید از دور  
سرو، نیلوفر نشکفته، نوخاسته را  
سر خوشانند ستایشگر خورشید و زمین  
اشک می جوشد در چشمه چشم، ناگاه

بخود آئیم و بخواهیم که انسان باشیم  
فریدون مشیری

پس چرا ما نتوانیم که انسان باشیم

## صبح نادمیده

که شب دراز شد و نوبت سپیده گذشت  
گذشت از در این باغ و گل نچیده گذشت  
که ماه یکشبه با قامت خمیده گذشت  
ولی دریغ که آن نیز ناشییده گذشت  
که تا زدم مژه بر هم ز پیش دیده گذشت  
هاشم جاوید

امید دیدن آن صبح نادمیده گذشت  
به خاک تیره بریزیم کان نسیم مراد  
بر آستان شفق خون آفتاب چه کسرد  
حدیث ماهمه یک نکته بود و بر لب بسود  
فروغ بخت چه کوتاه زندگانی بسود

## ای وطن

ای وطن وز بهشت باشد هشت  
وین نه راهی که باشدش برگشت  
نه همین کوه و جنگل و در و دشت  
نتوانم ولیک از تو گذشت  
یدالله بهزاد (کرمانشاه)

تو یکی خوشتره من را ز بهشت  
راه من راه سر فرازی تست  
تو دل و دیده‌ای و جان و تنی  
میتوانم گذشت از سر جان



# افغان نامه

تألیف

دکتر محمود افشاری زوی

کتاب اول

تهران

۱۳۵۹ ش = ۱۹۸۰ م

مرکز پخش - تلفن ۲۷۰۸۱۵ (سازمان کتاب)